

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرين رضاعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۱۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ خرداد ۱۳۸۵، ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

بیش از ۲۰۰۰ نفر در تهران علیه بی حقوقی زن تجمع کردند



۲۲ خرداد به روز اعتراض به بی حقوقی زن تبدیل شد تعداد زیادی دستگیر شدند
طبق خبری که فرهاد آزادی گزارشگر حزب کمونیست کارگری از تهران برای حزب ارسال کرده است، امروز ۲۲ خرداد از ساعت ۴ و نیم عصر جمعیت انبوهی از نقاط مختلف تهران به طرف میدان هفت تیر به حرکت درآمد. پلیس تمام منطقه را گرفته بود تا مانع تجمع بزرگ مردم شود. گزارشگر حزب میگوید اگر جلو جمعیت گرفته نشمیشد تمام میدان بسرعت از جمعیت پر میشد. با اینهمه علیرغم همه تلاش نیروهای سرکوبگر بین ۲ تا ۳ هزار نفر در این تجمع شرکت کردند.
صفحه ۲

مساله ملی، ستم ملی منصور حکمت پاسخ میدهد



منصور حکمت

تربیت راه مبارزه برای ایزوله کردن ناسیونالیسم در مبارزات مردم آذربایجان کدامست: پذیرش اینکه یک مساله ملی وجود دارد یا مبارزه بی امان با ناسیونالیسم و مانع از شکل گیری مساله ملی در آذربایجان؟ کدامیک؟
اینها سوالاتی فرضی و تئوریک نیستند. اینها سوالاتی مهم و حیاتی اند که عدم پاسخ درست به آنها ما را با مخاطراتی جدی در تحولات آتی سیاسی کشور روبرو خواهد کرد. کمونیسم کارگری باید به این سوالات پاسخی اصولی و از نظر سیاسی درست ارائه کند. به این ترتیب نه تنها مخاطرات سیاسی-اجتماعی را برطرف خواهیم کرد، راه پیشروی کمونیسم کارگری را نیز هموار میکنیم.
پاسخ را من در ارجاع به منصور حکمت میبینم. به همه خواندن
صفحه ۲

اعتراضات توده ای در آذربایجان و طرح شعارهای ناسیونالیستی در آن و تلاش ناسیونالیسم قومی برای حاکم کردن افق تنگ و ارتجاعی خود بر این اعتراضات، ما را میتواند با این سوالات روبرو کند: آیا در آذربایجان ما شاهد شکل گیری یک مساله ملی هستیم؟ آیا ستم ملی تا حد یک "مساله ملی" رشد کرده است؟ بهترین پاسخ به جنبش ناسیونالیستی چیست؟ مناسب
صفحه ۲

سخنرانی بهرام سروش نماینده حزب کمونیست کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار



بهرام سروش
صفحه ۳

هفت نفر از فعالین حزب کمونیست کارگری به سرپرستی بهرام سروش و فرشاد حسینی اعتراض کارگران ایران را به گوش نمایندگان شرکت کننده در سازمان جهانی کار رساندند، اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری را توزیع کردند و عکس بزرگی از اسانلو را در مقابل سن به نمایش گذاشتند.

بهرام سروش نماینده حزب کمونیست کارگری بجای نماینده جمهوری اسلامی، در اجلاس سازمان جهانی کار سخنرانی کرد و صدای اعتراض کارگران ایران را به گوش حاضرین در کنفرانس رسانید
عکس اسانلو و پلاکارد حزب کمونیست کارگری در جلو سن کنفرانس به نمایش درآمد
فردا اعتبار نامه عیوضی نماینده جمهوری اسلامی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت

لیست شماره ۱ در پاسخ به فراخوان مالی حزب

واریز شده است. علاوه مبالغی نیز تعهد داده شده است که بدنیهال عملی شدن این تعهدات، در لیست های بعدی اعلام خواهد شد.
از تمام دوستانی که این کمپین را همراهی کرده اند و پاسخ مثبت داده اند صمیمانه قدردانی میکنیم.
کمپین مالی حزب به مدت
صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری برای گسترش فعالیت های خود، برای گسترش ارتباط با مردم از طریق توسعه رسانه های جمعی خود فراخوان کمپین جمع آوری ۵۰۰ هزار دلار داده است. در پاسخ به این فراخوان در اولین هفته کمپین جمعا مبلغ ۷۰۸۸۰ دلار از ایران و خارج کشور به حساب های حزب

پیام تشکر و قدر دانی

نسرين رضاعلی

صفحه ۳

صدای اعتراض کارگران ایران در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار - ILO

و اخبار اعتراضات و تجمعات کارگری

صفحه ۴

پرچم های جمهوری اسلامی را پائین بکشید و بسوزانید

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

مساله ملی، ستم ملی ...**پرسش و پاسخ در پالناک**

“آیا بنظر شما ایران کشوری چند ملیتی یا کثیرالملله است؟ آیا اینکه مردم در آذربایجان نمیتوانند به زبان مادریشان صحبت کنند را ستم ملی میدانید؟

منصور حکمت: (اطلاق صفت) چند ملیتی به یک کشور یا یک جامعه یک انتخاب سیاسی است. کما اینکه اگر بپرسند آیا ایران یک جامعه اسلامی است، من میگویم نه. کس دیگری میگوید: آری. بنظر من ملت و ملیت مقوله ای است سیاسی، مسقوسله ای است ایدئولوژیک. کسی که تصمیم میگیرد یک انسان را با قومیتش تعریف کند و برای مثال او را آذری بنامد، هوتو، پشتو، یا باسک بنامد، دارد یک انتخاب سیاسی میکند و دارد رنگ ایدئولوژی خود را به آن جامعه میزند.

بسته به اینکه ایدئولوژی رسمی در کشور، یا تبیین رسمی از کشور را کسانی تعیین میکنند که مقولات ملی برایشان برجستگی دارد یا نه، ایران ممکن است چند ملیتی تعریف شود یا خیر. از نظر من نه تنها ایران، بلکه هیچ کشوری چند ملیتی نیست. آدمها با زبان های مختلف با هم حرف میزنند.

ستم ملی است. همانطور که جواب ستم جنسی، رفع ستم جنسی و جواب ستم نژادی، رفع ستم نژادی ستم ملی، مساله ملی....

است. پاسخ کشور دادن به قربانیان (ستم) نیست. این (مقوله) که ملیت مبنای حکومت است را ناسیونالیست ها در دو سه قرن اخیر در جهان باب کرده اند. بنظر من ملت مبنای حکومت نیست. فلسفی حکومت ملیت نیست. مبنای فلسفی حکومت فقط میتواند انسان باشد و اتحاد داوطلبانه آدمهایی که میخواهند آنجا زندگی کنند. مینا شهروندی است. در نتیجه اگر فرض کنیم که حکومت ها قرار نیست ملی و ناسیونالیستی باشند، آنگاه معلوم نیست چرا ستم ملی باید به تشکیل کشورهای مختلف منجر شود.

یک نمونه دیگر راجع به مساله ملی...

اگر ناسیونالیستها چنان مساله ملی را باد بزنند و چنان فجایع ملی بوجود بیاورند که دیگر نشود بین ملل با زبان خوش صلح و صفا ایجاد کرد، آنگاه مجبوریم بعنوان یک راه حل تلخ از جدایی مردم حرف بزنیم و به فرزندم هایی قائل باشیم که به ملتی که خیلی به آن ظلم شده و دیگر به اتحاد داوطلبانه خوش بین نیست، اجازه میدهد که اگر خواست جدا شود. به این اعتبار من این مساله را میپذیرم. سیاست رسمی ما در مورد کردستان فراندوم را

(جایز میداند) با این سوال که آیا مردم کردستان میخواهند جدا شوند یا میخواهند در ایران با شرایط مساوی با سایر شهروندان، باقی بمانند. ولی آیا شما میگویید این فراندوم را در مورد گیلان هم باید جایز دانست؟ من اینطور فکر نمیکنم. هر قدر هم ممکن است به مردم گیلان ستم روا شده باشد، مساله ملی که در آن خون بپاش شده باشد، بدبینی و دل چرکینی بوجود آمده باشد، غم پشت آن نهفته باشد، خشم انبار شده باشد، در مورد مردم گیلک نداریم. هر وقت چنین مساله ای را برایمان ساختند، آنگاه مجبوریم با همین نسخه به سراغ آن برویم. ولی ما به استقبال تجزیه آدمها نمیرویم. به استقبال جدا کردن انسان ها از یکدیگر نمیرویم. به استقبال تقسیم آنها به کشورهای شش در چهار که در هر کدام قومی زندگی میکند، نمیرویم. برعکس، جهان باید مرزهایش را بردارد. باید آدمها با هم زندگی کنند. به هر زبانی میخواهند حرف بزنند، به هر زبانی میخواهند بنویسند و هر کدام از (زبان ها) را که در مراودات اداری موثرتر است آن را بکار ببرند. من شخصا نه ناسیونالیستم و نه به هیچ ناسیونالیستی حاضرم آوانس دهم.

به نقل از یادداشت های سیاسی - شخصی شماره ۳

.....



از صفحه ۱

بیش از ۲۰۰۰ نفر در تهران ...

کردند. با اینهمه نیروهای سرکوبگر موفق شدند جلو شعار دادن و پلاکاردهای مردم را بگیرند. به هر کس که تلفن موبایل داشت حساس بودند. پیر و جوان و مرد و زن در این تجمع حضور داشتند. زنان، دانشجویان و کارگران مراکز کارگری آمده بودند تا به بیحقوقی زنان و علیه قوانین ضدزن جمهوری اسلامی اعتراض کنند.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر رژیم اسلامی ضدن،
نابود باد آپارتاید جنسی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ خرداد ۱۳۸۵
۱۲ ژوئن ۲۰۰۶

نیروهای انتظامی برای جلوگیری از گسترش تظاهرات و پیوستن بیشتر مردم، شروع به دستگیری کردند. دو تا سه ماشین از زنان و مردان حاضر در این تجمع

از صفحه ۱

در پاسخ به فراخوان . . .

شش هفته ادامه خواهد داشت. ۴۳۰ هزار دلار دیگر باید ظرف ۵ هفته آینده جمع آوری شود. همه شما عزیزانی را که علاقمند به گسترش فعالیت يك سازمان کمونیستی و آزادیخواه در مقابل حکومت اسلامی و انواع جریانان دست راستی، قوم پرست و ارتجاعی میباشید را به حمایت از این کمپین فرامیخوانیم. این حزب شما مردم زحمتکش و آزادیخواه است. این حزب کارگران، حزب استثمار

سوئد:

پیمان بخشایش ۵۰۰۰ دلار
مهناز ماسوری و فرزاد ادیبی ۵۰۰۰ دلار
رزگار روشن و عبدالله اسدی ۱۰۰۰۰ دلار
جمیل فرزاد ۱۰۰۰۰ کرون
فریده آرمان ۱۲۵۰۰ کرون
حسن صالحی ۱۲۵۰۰ کرون
کریم و شهبان نوری ۲۰۰۰۰ کرون
رحیم یزدانپرست ۵۰۰۰ دلار
آذر پویا ۱۰۰۰۰ کرون

غرب کانادا:

اقبال از ونکوور ۵۰۰۰ دلار آمریکا
زری اصلی ۴۰۰ دلار
دوستی از ونکوور ۱۰۰ دلار

شرق کانادا:

مهران محبوبی ۵۰۰۰ دلار آمریکا
بهرام کلاه زری ۵۰۰ دلار

بهرام قوامی
بابک یزدی

آمریکا:

سعید مدانلو ۵۰۰۰ دلار
علی جوادی ۵۰۰۰ دلار
انگلیس:
جلیل جلیلی ۵۰۰۰ دلار
رضا مرادی ۲۸۰ دلار

آلمان:

محمد کریمی ۵۰۰ یورو
امید زمانی ۵۰۰ یورو
سهیلا خسروی ۱۰۰۰ یورو
لیست کمک جمع آوری شده در جلسه آلمان:

مهین درویش پوریان

حسن آقایی ۲۰۰ یورو
نازنین برومند ۳۵ یورو
شهناز مرتب، مهران و محمود جلیلی ۶۰ یورو
علی محسنی ۲۰۰ یورو
کمیته حزب در برمن ۶۰ یورو
حبیب نصوحی ۷۵ یورو
منیر شریف پوریان ۱۰۰ یورو
مسعود کریمی ۲۰۰ یورو
ناصر کشکولی ۵۰ دلار
۲۰ یورو

ایران:

حبیب مهرآبادی ۲۵۰۰۰ تومان
ویتا ۵۵۰۰۰ تومان
هلند:
بهمن ذاکرنژاد ۵۰۰۰ دلار

جمع

۷۰۸۸۰ دلار

پیام تشکر
و قدر دانی

بدین وسیله از تمامی عزیزانی که با ارسال پیام های کتبی و شفاهی و یا حضور در مراسم گرامیداشت مادرم ابراز همدردی نموده و در کنار ما بودند تشکر میکنم. محبت های شما غم از دست دادن مادرم (کبری صراحی پور) را برای ما قابل تحملتر کرد. من مراتب قدر دانی خودم را از محبت و زحمات شما اعلام می نمایم. همینجا از حضور هزاران نفری مردم شهر سنندج کامیاران و روستاهای اطراف پاوه، مریوان، بانه، ارومیه و تهران، در مراسم خاکسپاری مادرم و ابراز همدردی های بیکران شما عزیزان تشکر و قدرانی می کنم.

بدون شك یاد و خاطره مادرم به عنوان نمونه و سنبلی از مقاومت و اعتراض طی دو دهه گذشته در یادها زنده خواهد ماند. يك بار دیگر از همه شما تشکر کرده و دستتان را به گرمی می فشارم.

موفق باشید
نسرین رضاعلی
۲۲ خرداد ۱۳۸۵

از صفحه ۱

سخنرانی بهرام سروش . . .

نامه های اعتراضی کارگران سندیکای واحد، کارگران ایران خودرو، جمعی از کارگران شرق تهران و اطلاعیه کمیته همبستگی کارگری در اعتراض به هیات جمهوری اسلامی بخاطر سرکوب و بی حقوقی کارگران در ایران داده شده بود، ضمیمه پیرونده جمهوری اسلامی شد

امروز ۱۲ ژوئن (۲۲ خردادماه) حدود ساعت ۵ و چهل و پنج دقیقه بهرام سروش در فرصت مناسبی خود را به پشت تریبون کنفرانس سازمان جهانی کار رسانید و شروع به سخنرانی کرد. همزمان شش نفر دیگر از فعالین حزب که در کنفرانس حضور داشتند در حالیکه

ایران را به گوش کنفرانس برسانم. شوراهاى اسلامی و خانه کارگر نمایندگان کارگران نیستند. اینها سرکوبگران کارگران اند. علی اکبر عیوضی که همراه سایر اعضای هیئت جمهوری اسلامی اینجا نشست است از سرکوبگران سندیکای کارگران شرکت واحد است. او همان کسی است که در ماه مه سال گذشته بهمراه صادقی و چماقداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی به سندیکای کارگران واحد حمله کردند و اعضای هیات مدیره سندیکا را مورد ضرب و شتم قرار دادند و زبان منصور اسانلو را بریدند. بهرام سروش به نقض اولیه ترین حقوق کارگران در ایران اشاره کرد و اینکه چگونه ماهها به کارگران دستمزد پرداخت نمیشود. به

اعتراضات کارگران نساجی کاشان و نساجی های قزوین و سرکوب مبارزات کارگری توسط جمهوری اسلامی، دستگیری هزار کارگر واحد و اخراج آنها به جرم اعتصاب و حق طلبی و اخراج بیش از ۵۰ کارگر ایران خودرو بخاطر اعتصاب زمستان گذشته اشاره کرد. او بر روی خواستها و مبارزات کارگران تاکید کرد و خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را که خواست عموم کارگران در ایران است اعلام داشت. سخنرانی بهرام سروش با کف زدن نمایندگان سازمانهای کارگری از کشورهای مختلف روبرو شد. بعد از سخنرانی بهرام سروش نمایندگانی از کشورهای مختلف از جمله مصر، کره جنوبی و آفریقا به سراغ بهرام سروش و هیئت همراه

رفتند و از این حرکت اعتراضی استقبال کردند. هیات حزب کمونیست کارگری در کنفرانس آی ال او همچنین صدها نسخه از اطلاعیه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب را در میان نمایندگان توزیع کردند که با استقبال نمایندگان کارگران قرار گرفت و بعضا با دادن کارت تماس خود خواهان ادامه ارتباط با این کمیته شدند. در این اطلاعیه به موارد نقض حقوق کارگران در ایران، از جمله دستگیری کارگران شرکت واحد در اعتصاب بهمن ماه، زندانی بودن منصور اسانلو، اخراج بیش از ۵۰ کارگر ایران خودرو به جرم شرکت در اعتصاب، تهدید و دستگیری فعالین کارگری به جرم شرکت در مبارزات و از جمله فعالین اول مه

صدای اعتراض کارگران ایران در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار - ILO

نامه های کارگران ایران خودرو، سندیکای کارگران واحد و جمعی از کارگران شرق تهران در میان نمایندگان سازمانهای کارگری در داخل سالن کنفرانس توزیع شد نمایندگان جمهوری اسلامی را از ILO اخراج کنید! منصور اسانلو باید فوراً آزاد شود!

روز جمعه ۹ ژوئن به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری و همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس یک حرکت اعتراضی علیه حضور هیئت جمهوری اسلامی در نود و پنجمین کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، آی ال او، در مقابل محل این کنفرانس در ژنو برگزار شد.

کارگران و شریک جنایات جمهوری اسلامی هستید. به همه بگوئیم که جمهوری اسلامی و خانه کارگش باید از آی ال او اخراج شوند.

در ادامه این اعتراض، هیئتی مرکب از بهرام سروش، فرشاد حسینی و محمود آقایی مقدم با کسب اجازه رسمی وارد سالن کنفرانس شده افشاگری علیه حضور نمایندگان جمهوری اسلامی و رسوا ساختن آنها در خود سالن کنفرانس ابعاد وسیع تر و خیره کننده تری به خود گرفت. هیئت حزب کمونیست کارگری و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بیش از ۴ ساعت در تعدادی از نشست ها و اجلاس نمایندگان آی ال او شرکت کرد.

فعالین حزب صدها نسخه بولتن کارگران در ایران را که حاوی نامه های کارگران ایران خودرو و کارگران شرکت واحد و جمعی از کارگران شرق تهران و همچنین نامه شهلا دانشفر به اتحادیه های کارگری جهان برای اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او و تحت فشار گذاشتن رژیم بمنظور آزادی فوری اسانلو بود، در بین نمایندگان اتحادیه های کارگری پخش کرده و با تعدادی از نمایندگان آنها در خصوص اوضاع کارگران در ایران و نقش سرکوبگرانه شوراها و اسلامی کار و خانه کارگر بحث کردند. در جریان آکسیون داخل کنفرانس مسئولین سازمان آی ال او، مسئولین آی سی اف تی یو، بسیاری از نمایندگان دولت ها و اتحادیه های کارگری، از جمله جمهوری اسلامی، متوجه حضور اعتراضی و فعالیت وسیع افشاگرانه اعضای حزب کمونیست کارگری در مقابل کنفرانس آی ال او هراسان شده بودند، گفتند که ما اینجا آمده ایم که رسوایتان کنیم و ماهیت ضدکارگری شما و رژیمتان را و صدای خفه شده کارگران ایران را به گوش کنفرانس برسانیم. اینجا آمده ایم که به همه بگوئیم که شما نماینده کارگران ایران نیستند، سرکوبگران

خود درمورد بولتن کارگران در ایران مطلع شده بودند برای دریافت بولتن به فعالین حزب مراجعه کرده و اطلاعات بیشتر می خواستند.

آکسیون و حضور اعتراضی حزب کمونیست کارگری و فدراسیون در کنفرانس سالانه آی ال او یک موفقیت برای کارگران ایران بود. پیام و صدای واقعی کارگران ایران از زبان فرشاد حسینی و بهرام سروش از اعضای کمیته مرکزی حزب در کنفرانس انعکاس وسیعی یافت و مورد توجه قرار گرفت. لازم به یادآوری است که این چندمین سال پشت سر هم است که نمایندگان جمهوری اسلامی و شوراها و اسلامی اش در سازمان جهانی کار مورد افشاگری گسترده توسط فعالین حزب قرار میگیرند.

ما تضمین خواهیم کرد که حضور سرکوبگران کارگران ایران در مجامع بین به یک رسوایی تمام عیار برای آنها تبدیل شود. ما یکبار دیگر همه سازمانها و و اتحادیه های کارگری جهان را فرا میخوانیم که از مبارزه و خواستهای برحق کارگران ایران پشتیبانی کنند و از خواست ما برای اخراج جمهوری اسلامی و خانه کارگر رژیم از سازمان جهانی کار حمایت کنند.

**تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ خرداد ۱۳۸۵
۹ ژوئن ۲۰۰۶**

اخبار اعتراضات و تجمعات کارگری

۳۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو علیه شورای اسلامی

**کارگران وارد پنجمین روز اعتصاب
برای دستمزدهای معوقه و انحلال
شورای اسلامی شدند**

طبق گزارشی که به حزب ارسال شده است، کارگران شرکت ایران ترانسفو در تهران روز سه شنبه پنجمین روز اعتصاب خود را شروع کردند. کارگران هرروز در محیط کارخانه تحصن میکنند و اعلام کرده اند تا رسیدن به خواست های خود اعتصاب و تحصن را ادامه میدهند. خواست های کارگران پرداخت فوری سه ماه حقوق معوقه و انحلال شورای اسلامی است. در طول پنج روز گذشته کارگران و کلیه

پرسنل اعم از مهندسین و کادری کارخانه از بخش تولید و توزیع و حتی واحدهای اداری آن در زنجان در اعتصاب بسر میبرند. کارفرما سه ماه حقوق کارگران را پرداخت نکرده و همزمان طرح انتقال کارخانه به شرکت سهامی خاص جدیدالتاسیس متعلق به خود شرکت مطرح شده است و این نه تنها اعتراض کارگران بلکه اعتراض کل پرسنل کارخانه را برانگیخته است.

عدم پرداخت دستمزد کارگران یک جنایت است. حزب کمونیست کارگری از خواستهای بحق کارگران ایران ترانسفو قاطعانه پشتیبانی میکند و سایر مراکز کارگری را به حمایت فعال از آنان فرامیخواند. حزب از خانواده های کارگری میخواهد با ایجاد کمیته های حمایت از اعتصاب، خبر این اعتراض مهم را به گوش توده هرچه وسیعتری از مردم برسانند و حمایت و همبستگی دیگران را از این مبارزه جلب کنند.

انحلال شوراها و اسلامی یک خواست مهم طبقه کارگر است و این خواست روز بروز ابعاد وسیعتری در میان کارگران مراکز مختلف پیدا میکند. حضور قدرتمند حزب کمونیست کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار و بی آبرویی بیشتر خانه کارگر و شوراها و اسلامی در این اجلاس زمینه مساعدتری برای انحلال این ارگانهای ضدکارگری فراهم میکند.

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ خرداد ۱۳۸۵
۲۳ ژوئن ۲۰۰۶**

**تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده
شرکت واحد
مقابل اداره کار جمهوری اسلامی**

روز ۲۱ خرداد از ساعت هشت صبح کارگران اخراج شده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در ادامه اعتراضات خود برای بازگشت به کار، مقابل اداره کار شرق تهران دست به تجمعی اعتراضی زدند. این کارگران به جرم شرکت در اعتصاب بهمن ماه ۸۴ از کار اخراج شده اند و از آن زمان تا کنون هیچگونه حقوقی به آنها پرداخت نشده است. اعتراضات کارگران اخراجی شرکت واحد از آن زمان جریان داشته است و کارفرما دست اندرکاران جمهوری اسلامی پاسخی به آنها نداده اند. در تجمع روز ۲۱ خرداد تحت فشار کارگران رئیس اداره کار شرق تهران به آنها قول داد که تا ۳۱ خرداد همه آنها به سر کار باز خواهند گشت. کارگران اعلام کردند که تا وقتی خواستشان عملی نشود به اعتراض ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم را به حمایت و پشتیبانی فعال از کارگران شرکت واحد فرا میخواند. خواست بازگشت بی قید و شرط کارگران به سر کار را باید متحدانه طرح کرد و به اخراج کارگران شرکت واحد متحدانه اعتراض کرد. نباید اجازه داد که جمهوری اسلامی کارگران را به خاطر دست زدن به اعتراضی برحق به خانه خرابی و مشقت بکشاند. اعتراض و اعتصاب حق کارگران است. با مبارزه متحد است که میتوان حربه اخراج را از دست کارفرمایان و دولت خارج کرد.

**حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ خرداد ۱۳۸۵
۱۲ ژوئن ۲۰۰۶**



نامه سوم به ایرج فرزند، مجید حسینی و محمد فتاحی حمله به برابری طلبی مردم

منصور ترکشوند

از آنجا که نوشته های مد افعین از "آزادی بی قید و شرط بیان" در ما جرای آذر بایجان یک شبه از سایتهای شما "دلیت" شده اند، خواننده ای کنجکاو و حقیقت جو با خواندن نامه دوم به شما سر در گم می شود. از سوئی دیگر، به واسطه قتل عامهای وسیع ماشین آدمکشی اسلامی و قتل عام یک نسل از کمونیستها، نسل جوان امروز از کمونیزم و چپ ۵۷ اطلاع کاملی ندارد، به همین دلایل نامه سوم، ننامه کسه بسه یساد آوری خصوصیات چپ ۵۷ و نقد تمیز جدید شما در قبال تعرضات مردم آذر بایجان، در شرایطی که هنوز دو نامه قبلی بی پاسخ مانده اند ضروری شد.

مهمتر از ما و شما جنبش کمونیزم کار گری است، جنبشی که دست کم در ایران و عراق و منطقه خاور میانه امروز بهترین پاسخ به معضلات اجتماعی انسانهاست و پیرویش بدون تردید یک گام بزرگ و تاریخی برای بشریت متمدن است. این شدنی است مشروط بدانکه ما خود به آنچه داریم آگاه باشیم. در کل تاریخ بشریت تا کنون هیچ اهل تغییری مثل ما مسلح به سلاح نقد نبوده است.

چپ ۵۷

چپ ۵۷ نه فقط در منش و طرز پوشش و لباس و سیبیل... که در طرز داوری و قضاوت و تحلیل مسائل اجتماعی و "اخذ و حذف مواضع و تاکتیکش" کارکننده خاصیت داشت. متاثر از جو آن زمان رسماً یک پای منبر دین و سیرو سلوک عارفانه و فرصت طلبی و فریب بود.

لنین برایش همان پیا مبر خدا بود، اما در اشل و ظاهری مادی. از طرف خدا نیامده بود ولی حکمش همان جزمیت حکم خدا برای مومنین را داشت. چپ ۵۷، تاکتیک انتخاب نمی کرد، موضع نمی گرفت، نمی

نوشت مگر آنکه به قول منصور حکمت "سرفصل تئوری" را باز می کرد. یک نقل قول از لنین، که در شرایط خاص مثلاً روسیه ۱۹۰۵ عنوان شده بود، برای برگزیدن تاکتیکش کافی بود. و همینکه "تئوریش" غلط از آب در می آمد با "پاکن" (اسم آن روزهای "دلیت") همه چیز را پاک می کرد. انتقاد و انتقاد از خودش هم جالب بود. یسسا خطهایش را محو و به نقدهای کشنده به بهانه بزرگی خود و کوچکی ناقدش، پاسخ نمی گفت و یا در شرایط خیلی سخت و تحت فشار توده های سازمانی، گناه را به گردن هیئت تحریریه نشریه می انداخت و هیئت تحریریه "اپورتونیست" را اخراج می کرد و مثلاً اینطوری به "خط انقلابی ولینینی خود" تا پیچ سیاسی بعدی باز می گشت!

مارکسیسم این چپ علمی نبود، امپریستی، تجربی بود. در فلسفه متافیزیکی، و در اقتصاد به اقتصاد یون قبیل از مارکس، استمیت و ریکاردو و غیره مربوط و در سیاست به لطف الگو برداری و آکا دمیسیم همیشه جناحی از جنبش ملی اسلامی بود.

منصور حکمت سه منبع سه جزء آن چپ را بیرون کشید و به لطف باقی نقد ها و همان نوشته سه منبع سه جزء سوسیالیسم خلقی در ایران، این چپ به زیر کشیده شد و نقد میانیش کا مل شد. باقیمانده های لجوج و جدا از مردم، گروه های متلاشی شده ای آن چپ با آنکه تک سلولی شدند، و زیر فشار ما در ظاهر تغییر "مرام" داد، اما سه منبع و سه جزء اش را کما کان حفظ کرده است.

متا فیزیک در فلسفه و روش شناخت، الگو برداری و آکا دمیسیم در تئوری و اوانستوریسم و اکونومیسم در تاکتیک و عمل، مشخصه ای بارز آن چپ بود. متاسفانه، حزب شما تلاش

روزنامه دولتیند، همان که تازه معلوم شد اگر در این ماجرا حقی در آزادی بی قید و شرط بیان باشد، همان حق اعتراض مردم اذر بایجان است، حق پایینی ها علیه بالایشان است، ضمن "دلیت" (همان پا کن قدیمی) نوشته های غلط ضد مردمی رفقای هم حزبی، به رغم آنکه مملو از "جر بزه" بودند، آنهم بدون شرح و سرو صدا، از "در" نقد قوم پرستی مجدداً علیه مردم معترض "موضع" گرفتید. هنوز کمتر کسی مقایسه ای کاریکاتورهاى محمد و سه سوسک تشبیه شدن مردم ترک را خوانده بود که "دلیتش" کردید. و بدین ترتیب حتمی آزادی بسی قسید و شرط بیان رفقای خودتان، در حزب "تعدد نظرات" را نقض کردید!

تاکتیک کما کان همان است "نوشتن تلاش اهل تغییر به پای ضد انقلاب". همان کاری که چپ ۵۷ با ما می کرد و به دلیل مدت و حفظ سه منبع سه جزء اش ادامه هم داد و مثلاً با خود مقوله انقلاب همسین کنار را کرد و البته با تاریخ شکست نخوردگان پاسخ گرفت.

روش اخذ تاکتیک کما کان همانانطور و مشمل همان چپ قدیمی الگو برداری است. اگر آن چپ از روی دست لنین الگو برداری می کرد، اینبار شما، از روی دست "حکمت" همان کار را می کنید. تکرار طوطی وار "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" هم کما کان ادامه دارد.

موضع جدید شما

شما چه در ما جرای خوزستان و چه در ما جرای اخیراً بایجان، با الگو برداری ناشیانه علیه مردم برابری طلب "موضع" گرفتید. در ما جرای آذر بایجان اول در نقش مدافع سینه چاک «آزادی بی قید و شرط بیان» ظاهر شدید، همینکه معلوم شد این الگو برداری زیادی ناشیانه است، همینکه معلوم شد مردم هم در بیان اعتراضشان و هم حفظ حق آزادی بی قید و شرط بیانشان مسحق تر از دو روزنامه نگار

چاله "آزادی بی قید شرط بیان" به چاه "ارتجاع قومی" بیفتند. نه با نقد علمی، که با تجربه و امپریستی به دلیت یک شبه آزادی بی قید و شرط بیان "ارتجاعی بودن" تعرضات مردم به بهانه قوم پرستی رسیده آید.

شوخی و مزاح و بسی رحمی به با قومیت یکدیگر، بین مردم مرسوم است. در ماجرای اخیر، مردم ترک زبان با کارکاتور معروف و بی رحمانه مرسومشان تحقیر نشده بودند، اینبار به سوسک تشبیه شده اند. واقعیت این است که اگر این را هم مردم نقاط دیگر می گفتند، کما کان محمل مزاح و شوخی می شد. اینبار این یک روزنامه رسمی دفاع از جمهوری اسلامی بود، که مردم را به سرخه گرفته بود، حرکت مردم در درجه اول حمله به نظام اسلامی بود نه دفاع از قومیت و قوم ترک، دفاع از حق برابری با فارس و کرد و... غیره بود، نه تأیید قوم پرستان ترک. این مائیم و موظفیم ماهیت این قومپرستی دوطرفه را، چه از سوی روزنامه نگاران اسلامی و چه از سوی قومپرستان ترک، افشا و ماهیت و حقیقت تحركات و اعتراضات مردم را از آنها جدا و مدلل و نشان دهیم. به کشته شدگان ماجرای اهواز و تبریز چه میگوئید؟

این مائیم و موظفیم گرد غبار قومی و ارتجاعی را از تلاش مردمی که از وضعیت موجود ناراضی، و در تغییر دینند، اند، بزودائیم. اینکار را قبلاً هم بارها تکرار کرده ایم.

اگر انقلاب ۵۷ "اسلامی" نبود و تلاش مردم اهل تغییر برای برابری و رفاه بود، اگر حقیقت پشت پوسته ای فیزیکی واقعیت، خلاف هیسایهوی جاری دیدنی است، چرا باید اعتراض مردمی که می خواهند مثل بقیه آدم باشند، سوسک نباشد، قومپرستی معرفی شود؟ اگر رای بیست میسلیونی مردم به خاتمی، به لطف منصور حکمت و درایتش "نه" به ناطق نوری بود، نه به جمهوری اسلامی بود، چرا باید اعتراض جمعی مردم آذر بایجان به حساب قوم

از صفحه ۵

نامه سوم به . . .

پرستان ترك واریز شود؟ اگر جامعه ایران با این همه نماز خوان و مشهدی و کر بلایی و حاجی و عاشق سینه چاک حسین و علی، اسلامی نیست، و کسی که آنرا اسلامی می داند و معرفی می کند یک انتخاب سیاسی ارتجاعی کرده است، چرا قوم پرست معرفی کردن مردم معترض یک انتخاب سیاسی ارتجاعی نباشد؟ مردم را قومپرست معرفی نکنید کسی که این کار را می کند عملاً یک انتخاب سیاسی انجام داده است. حرکات و اعتراضات مردم در اذربایجان، "نه" به جمهوری اسلامی به بهانه یک کاریکاتور بود، تلاشی برای سرنگونی بود.

هم همجهتتیسید.

چرا تعرضات برابر طلبانه مردم به رژیم اسلامی را هم صدا با امثال شریعتمداری ارتجاعی می خوانید؟ آیا شما هت "بدون شرح" بین نقد کیهان و صبح صادق (روزنامه داخلی سپاهیان اسلام) با نقد های خودتان از ما جرای آذربایجان را دیده اید؟ حمله اوباش حزب الله به مردم توجیه کیهانی و صبح صادق دارد. اتحاد شوم قومپرستان را باید افشا کرد ولی نوشتن تعرض و حق برابرطلبی مردم به پای قوم پسرستتسی کسا مسلا غلط و ضد حکمتیست. چطور شده که همسو وهم کلام و هم تحلیل ارتجاعیترین نیروها از اب درآمده اید؟ اینسکه نیروهای قومی

مرتجعند صحیحست، اما اینسکه مردم نیروی قومی باشند دورغ بزرگی است که تشوریسینیهای جسنسبش مسلسلی اسلامی از کیهان صبح صادق تا راه کسار گسر و اکشریست و.....غیره و متاسفا نه شما می گوید و می گویند. این عین دورغ بزرگ مسلمان خواندن مردم و اسلامی دانستن ایران است. مارکسیستها در متن جامعه ای امروز ایران بخوبی تعرض و اعتراض مردم را از انواع تلاش های اوباش فرصت طلب تمیز داده و در ارتقاء ان می کوشند. حکمت این کار را همیشه می کرد اونسه مردم ایران را مسلمان خواند و نه انقلاب ۵۷ را "اسلامی" دید و تعریف کرد و نه رای به خاتمی را رای به جمهوری

اسلامی پنداشت و نه ۱۸ تیر را اعتراض به بسته شدن روزنامه سلام ونه قاتله خرم آباد را به حساب انجمن اسلامی نوشت ونه..... این فقط شماست که تحرکات مردم در یک سال و اند گذشته را مدام، هم صدا با ارتجاعی ترین بخش حکام اسلامی، به حساب نیروها ی ارتجاعی قومی واریز و در کنار اوباش حزب الله به تحقیر و توهین و حمله به مردم مشغول شده اید. به تلاش مردم برای تغییر همراه با ارتجاعیترین نیروها خاک نپاشید و به حزب کمونیسم کار گری بپیونید ۱۹/۳/۸۵

منظور از موضع در * گیومه همان "موضع" مورد نقد کورش مدرسی است

پرچم های جمهوری اسلامی را پائین بکشید و بسوزانید

مردمی که جز بحقوقی، تحقیر، سرکوب و شلاق و شکنجه و حجاب اجباری نصیبی ندیده اند، ننگ پرچم حکومت را بر خود هموار خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه را فرامیخواند تا مشت محکمی به عوامل جمهوری اسلامی بزنند، پرچم های این حکومت کثیف ضدزن و مذهبی و ضد بشری را پائین بکشند، بسوزانند و زیر دست و پا له کنند. این فرصتی برای مردم آزادیخواه است که عمق انزجار خود از این حکومت جنایتکار را به افکار عمومی در دنیا نشان دهند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان ۱۱ ژوئن ۲۰۰۶ ۲۱ خرداد ۱۳۸۵

جمهوری اسلامی به بهانه برگزاری جام جهانی فوتبال اراذل و اوباش حزب اللهی و وزارت اطلاعاتی ها و قمه کش هایش را در قالب هواداران تیم فوتبال راهی آلمان کرده است. یکی از اقدامات این اراذل توزیع پرچم های جمهوری اسلامی در میان هواداران فوتبال است. گفته میشود که جمهوری اسلامی دهها هزار پرچم خود را همراه با ۵۰ هزار تی شرت که عکسهایی از خمینی را نیز بر روی خود دارند وارد آلمان کرده است. حکومت جنایتکاران اسلامی قصد دارد از فوتبال برای خود آبرو بخرد. طبق گزارش تلویزیون کانال دو آلمان و گزارشاتی که به حزب رسیده است، مردم آزادیخواه تن به این ذلت و خواری نداده و عوامل رژیم را ناکام گذاشته اند و وقتی به پرچم ها و تی شرت ها و خدمات حمل و نقل و نگهداشته اند. جمهوری اسلامی تاکنون فاشیست های آلمان را پشت سر خود بسیج کرده است. سران جمهوری اسلامی کور خوانده اند اگر فکر میکنند

از صفحه ۳

سخنرانی بهرام سروش . . .

دو سال قبل در سقز و اول مه امسال سنج، شرایط برده وار کار در ایران و کشته شدن ۱۱ کارگر در معدن باب نیز در شهریور گذشته تنها به خاطر کاهش هزینه از سوی مدیریت و مواردی دیگر اشاره شده بود. لازم به یادآوری است که روز جمعه نیز فعالین حزب صدها نسخه از نشریه کمیته همبستگی کارگری حزب بنام Workers in Iran را که حاوی نامه اعتراضی سندیکای کارگران واحد، نامه کارگران ایران خودرو به سازمان جهانی کار و نامه جمعی از کارگران شرق تهران بود، در میان شرکت کنندگان در کنفرانس توزیع کردند. بعد از سخنرانی، بهرام سروش بهراه شش نفر دیگر از فعالین حزب، فرشاد حسینی، بهزاد صدیق زاده، محمود آقایاری مقدم، امید اصلانی، پیمان نجفی و هفشجانی به بخش حفاظت و امنیت سازمان ملل در همان ساختمان برده میشوند. سپس رئیس سازمان آی ال او و دیگر مسئولین این سازمان با این هیات به مذاکره مینشینند و کادراهی حزب بعد از صحبت های

انجام شده آزاد میشوند. در این نشست به هیئت حزب گفته شد که در اجلاس عمومی فردا سه شنبه ۱۳ ژوئن اعتبار نامه علی اکبر عیوضی به خاطر اعتراض کارگران سندیکای شرکت واحد و دیگری شکایات رسیده مورد بررسی قرار خواهد گرفت و نامه های اعتراضی کارگران سندیکای واحد، کارگران ایران خودرو، جمعی از کارگران شرق تهران و اطلاعیه کمیته همبستگی کارگری ایران در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی و موارد نقض حقوق آشکار کارگران در ایران، ضمیمه پرونده جمهوری اسلامی خواهد شد و به این شکایات و اعتراضات رسیدگی خواهد گردید. لازم به توضیح است که سخنرانی بهرام سروش و به اشتزاز درآمدن عکس اسانلو و پلاکارد حزب بطور زنده از شبکه اینترنت سازمان جهانی کار پخش میگردد و خبرنگاران زیادی از این صحنه ها عکس و فیلم تهیه میکردند. تشکلات خارج کشور حزب از رفقا بهرام سروش، فرشاد حسینی، بهزاد صدیق زاده، محمود آقایاری

مقدم، امید اصلانی، پیمان نجفی و هفشجانی بخاطر حرکت برجسته آنها و انعکاس صدای اعتراض کارگران ایران در اجلاس سازمان جهانی کار عمیقاً قدردانی میکنند. با این ابتکار کارگران ایران از طریق حزب کمونیست کارگری در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار نمایندگی شدند و یکبار دیگر ماهیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و چماقدارانش در انظار نمایندگان سازمانهای کارگری از اقصی نقاط جهان افشا گردید. حضور قدرتمند حزب کمونیست کارگری در کنفرانس آی ال او در روزهای جمعه و دوشنبه یک موفقیت برای طبقه کارگر ایران محسوب میشود. حزب کمونیست کارگری از هیچ فرصتی برای رساندن صدای اعتراض کارگران و مردم ستمدیده ایران به گوش جهانیان فروگذاری نخواهد کرد.

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ ۲۲ خرداد ۱۳۸۵

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!